



ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری
صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار
معاون ضمام: حامد فوقانی
دبیر ویژه‌نامه: ناصر احدی
دبیر اجرایی: مجتبی یارزمان

واحد فنی:
 مدیر فنی: حامد یزدانی
 مدیر هنری: مهدی سلامی
 طراح گرافیک و صفحه آرایی: محمد روشنگر
 ویرایش عکس: کامبیز نویدی
 صفحه خوانی و حرفه‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۱۷
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
 موسسه نشر گستر امروز نوین

همیشه‌های
گروه ضمام همشهری ناشر نشریات:
 دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
 تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها، ماه،
 سرزمین من، معماری، ۲۴، شهرنگار، سرخ و محله
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، ترسیده به پارکوی،
 کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

Guardians of the Galaxy Vol. 3

نگهبانان کهکشان، جلد ۳

ژانر: ابرقهرمانی کارگردان: جیمز گان

بازیگران: کریس پرت، زویی سالدانا، دیو باتیستا، کارن گیلان، سیلوستر استالون

داستان: پیتر کوپل که هنوز به خاطر از دست دادن گاموراناراحت و سردرگم است، باید گروهش را برای دفاع از کهکشان و همچنین محافظت از یکی از خودشان دوباره دور هم جمع کند؛ ماموریتی که اگر با موفقیت به پایان نرسد، احتمالا می‌تواند به قیمت نابودی نگهبانان کهکشان تمام شود. آدم و لارا که یک موجود مصنوعی قدرتمند است به دستورهای اولوشنری که دانشمندی خودبزرگ‌بین و متخصص خلق موجودات هیبریدی است، به نگهبانان کهکشان حمله می‌کند و راکت زخمی می‌شود و به اغما می‌رود. راکت حین اغما خاطراتش را که نشان می‌دهد به دست‌های اولوشنری ساخته شده مرور می‌کند. نگهبانان برای نجات جان دوست خود تلاش می‌کنند و در آخر راکت بازمی‌گردد و کوپل رهبری گروه را به او می‌سپارد.



IMDb

8.2/10

Rotten Tomatoes

82%

در «موضوع ماه» هفتمین شماره از افول فیلم‌های ابرقهرمانی نوشتیم، اما این مسئله شامل همه فیلم‌های ابرقهرمانی نمی‌شود. مثال نقضش همین قسمت سوم «نگهبانان کهکشان» است که بیش از ۸۰۰ میلیون دلار در گیشه فروخته و از همین حالا که زمزمه‌هایی درباره پایان این فرنچایز سینمایی بلند شده، طرفدارانش ماتم گرفته‌اند. مثل ۲ قسمت قبلی و کلا جهان سینمایی مارول، مهم‌ترین دلیل که تماشاگران را مجاب می‌کند به تماشای فیلمی بنشینند که قبلا بارها دیده‌اند، این است که «نگهبانان کهکشان» خودش را جدی نمی‌گیرد. با مقدار شوخ‌طبعی، کلی صحنه‌های زدوخورده، کمی عشق و عاشقی و سرگشتگی هویتی و پی‌بردن به راز «از کجا آمده‌ام» می‌توان معجزی ۱۵۰ دقیقه‌ای ساخت که به مذاق طرفدارانش حسابی خوش می‌آید. کیفیت اجرای صحنه‌های اکشن، خبره‌کننده است و صحنه‌های به اغما رفتن شخصیت «راکت» را کون که طی آنها متوجه می‌شود موجودی از ما پیشگاهی است، کیفیت ماورایی قابل قبولی دارد. باقی تکرار مکررات و برای دوستداران این ژانر قند مکرر.

White Men Can't Jump

مردان سفید پوست نمی‌توانند بپرند

ژانر: کمدی ورزشی کارگردان: کالماتیک

بازیگران: سینکوا والز، جک هارلو، تیانا تیلور، لورا هری پر

داستان: جرمی، بسکتبالیست سفیدپوستی است که به خوبی سیاهپوستان و حتی بهتر از آنها می‌تواند بسکتبال بازی کند. او به‌طور وسواس‌گونه‌ای به سلامت جسمی و ذهنی‌اش اهمیت می‌دهد و رژیم غذایی خاصی دارد. رفتارهای عجیب و غریب جرمی در تعاملات اجتماعی یکی دیگر از ویژگی‌های اوست. جرمی که برای ساختن زندگی مشترک با تیانایا به پول نیاز دارد، با بسکتبالیست سیاهپوستی به نام کمال که در دوران دبیرستان بازیکنی موفقی بوده، اما در بسکتبال حرفه‌ای به جایی نرسیده، گروهی تشکیل می‌دهند تا در بازی‌های شرطی پولی به جیب بزنند. کمال و جرمی در ابتدا به دلیل روحیات متفاوتشان در همکاری با هم مشکل دارند اما کم‌کم به هم نزدیک می‌شوند و سرانجام در بازی نهایی ۵۰ هزار دلار برنده می‌شوند. کمال به بسکتبال حرفه‌ای برمی‌گردد و جرمی از تیانایا خواستگاری می‌کند.



IMDb

5.7/10

Rotten Tomatoes

27%

بازسازی فیلم موفق ران شلدون در سال ۱۹۹۲ با همین نام که وودی هارلسون و وزلی استاپیس در آن بازی کرده‌اند. با اینکه از نسخه جدید تقریباً استقبال خوبی نشده، اما بخشی از این برخورد سده به کیفیت‌ها ناگهانی فیلم شلدون برمی‌گردد. برخلاف فیلم اصلی که بخش عمده جذابیت آن مدیون کل‌کل‌های ۲ شخصیت اصلی و صحنه‌های پر تحرک و ریتم درگیر کننده‌اش است، در فیلم کالماتیک شوخی‌های جرمی با کمال درباره سیاهپوستان و فرهنگ خاص‌شان چیز دندان‌گیری ندارد. مثلا در جایی از فیلم جرمی می‌گوید بی‌تی‌ام (پل توماس اندرسون) بزرگ‌ترین فیلمساز زنده جهان است و کمال در جوابش درمی‌آید که اسپایک‌لی بزرگ‌ترین کارگردان زنده جهان است. سایر شوخی‌های نژادی فیلم هم خیلی حدنگه‌دار هستند و معلوم است سازندگان فیلم مراقب بوده‌اند که پلیس‌های گفت‌وگو روزی را که به مسائل نژادی هم حساس‌اند، عصبانی نکنند.

راهنمای فیلم

نویسنده در پرتو

این فیلم‌ها در پلتفرم‌های نمایش ایرانی در دسترس است

You Hurt My Feelings

تو به احساسات من صدمه می‌زنی

ژانر: کمدی درام کارگردان: نیکلاس هولوفسینر

بازیگران: جولیا لوئی دریفوس، توبیاس منزیس، میکائلا واتکینز، آریان مؤید

داستان: پت زن میانسالی است که نخستین رمانش را منتشر کرده اما به خودش و توانایی‌اش در نویسندگی اعتماد ندارد. همسر پت، دان، روانشناسی است که قادر به حل مشکلات مراجعانش نیست. او مدام از پت و کتاب جدیدش که هنوز منتشر نشده تعریف می‌کند تا اینکه روزی به‌طور اتفاقی می‌فهمد دان نوشته‌های او را دوست ندارد، اما برای دلخوشی او جور دیگری وانمود می‌کند. تنها فرزند پت و دان، البوت، نیز از توجه بیش از حد پدر و مادرش به یکدیگر ضربه خورده. خواهر پت، سیرا، نیز که حامی اوست با همسرش -مارک که باز یگر است- مشکلاتی دارد. سرانجام پت و دان تصمیم می‌گیرند، بیشتر با هم صادق باشند و برای خوشایند طرف مقابل همیشه از خواست و عقیده واقعی‌شان کوتاه نیایند.



IMDb

6.8/10

Rotten Tomatoes

94%

به تصویر کشیدن مشکلات و مسائل زندگی زوجی که در ظاهر خوب و خوش‌اند اما در عمق رابطه‌شان چیزهای ناخوشایندی وجود دارد، همانقدر که اگر به درستی انجام شود، حاصلی جذاب و اثرگذار دارد. در صورت بازماندن از نقب زند به عمق روح شخصیت‌ها، در بهترین حالت، به ورطه میان‌مایگی و ادا و اطوارهای روانشناختی می‌افتد. مشکل اصلی فیلم هولوفسینر هم همین است که پیش از اینکه شخصیت‌های جاندار و واقعی خلق کند که برای تماشاگر مهم باشند، به دنبال این است نشان دهد حتی در زندگی زوجین طبقه متوسط هم درد و رنج‌هایی وجود دارد که بالاخره جایی عود می‌کند و آدم‌ها را به این نتیجه می‌رساند که چه زندگی تقلبی و پوچی داشته‌اند. البته فیلم باب میل زوج‌های طبقه متوسطی است که از اینکه بگویند زندگی خوبی دارند و از آن راضی هستند، شرم دارند و دنبال پنهان‌های می‌گردند تا نشان دهند زندگی آنها هم دارای کمبودها و پیچیدگی‌هایی از نوع روانشناختی است.

Jane

جین

ژانر: تریلر روانشناختی کارگردان: سابرینا یاکلوم

بازیگران: مادالین پیچ، کلویی بیلی، ملیسا لئو

داستان: اولیویا پروکس، دانش‌آموز بلندپرواز دبیرستانی، در غم از دست دادن دوست صمیمی‌اش، جین، است که به‌تازگی خودکشی کرده است. وقتی اولیویا بخت رفتن به کالج مورد علاقه‌اش را از دست می‌دهد، دچار حملات اضطرابی می‌شود. او که احساس می‌کند روی زندگی و خواست‌هایش هیچ کنترلی ندارد، در شبکه‌های اجتماعی کسانی را که به خیال خودش مانع موفقیتش هستند تخریب می‌کند. اولیویا در موقعیت‌های مختلف جین را می‌بیند که با نگاهی مرموز و مودی به او خیره شده است. او باور دارد به هر کاری که دست می‌زند، به‌خاطر جین و زنده نگه داشتن یاد اوست. او حتی لیزی، دیگر دوست صمیمی خودش و جین را که برای رفتن به کالج از آنها فاصله گرفته و پس از مرگ جین دوباره به اولیویا نزدیک شده، می‌کشد و با صحنه‌سازی مرگ او را خودکشی جلوه می‌دهد. اولیویا بدون اینکه مشتت‌باز شود، بالاخره به کالاجی می‌رود که دوست دارد.



IMDb

4.9/10

Rotten Tomatoes

73%

آدم‌هایی که همیشه خودشان را در «مسابقه موفقیت» با دیگران فرض می‌کنند، مستعد دست‌زدن به هر کاری برای پیروزی هستند. شبکه‌های مجازی به الزام افراد به شرکت در مسابقه موفقیت دامن زده و آدم‌ها همواره باید با اضطراب عقب‌ماندن و برنده‌نشدن در این مسابقه دست و پنجه نرم کنند. «جین» به دنبال نمایش اثرات مخرب چنین وضعی روی زندگی نوجوانانی است که باید خانواده‌های‌شان را سر بلند کنند و نمونه غیبه‌انگیزی از حرکت در مسیر پیشرفت و ترقی باشند. اما چیزی که فیلم کم دارد انگیزه‌های قانع‌کننده برای تبدیل اولیویا از دختری مضطرب و مهربان و کم‌رو به هیولایی گرسنه در تمنای موفقیت و تحسین شدن است. صرفاً اینکه اولیویا بی‌آنکه خودش هم خبر داشته باشد، به بیماری موفقیت دچار است، ضعف پیرنگ فیلم را توجیه نمی‌کند.